



Typology and context of Mahdi's attributes in the narrations of Imam Baqir(pbu)

Dr. Hamed Montazeri Moghadam ¹

Dr. Hasan Ghafarifar ²

Safora Salariyeh ³

Abstract

The Messenger of God, may God bless him and grant him peace, was the first promoter of the idea of Mahdism in the Islamic society. The Ahl al-Bayt of the Prophet, peace be upon him, also made great efforts to promote this idea. The more the people distanced themselves from the Prophetic and Alavi rule, the more cruelty and crimes they faced from the caliphs, and this prompted them to look for a savior to get rid of pressure and suffocation. Mukhtar's fight against Umayyad Umayyad tyranny and the context of Muhammad ibn Hanafiyah's Mahdism plan led to the formation of the Kisani sect. In contrast to them, the Umayyads also claimed Mahdism for some caliphs in order to legitimize themselves. The Alawites and the Umayyads sought to make their Mahdism believable by applying the attributes of Mahdi (PBUH) to their leaders. In such an atmosphere, Imam Baqir (peace be upon him) narrated the details of the attributes of Mahdi (a.s.), in order to better identify him and enlighten public opinion. In order to correctly understand the historical environment and why the narrations were issued, it is necessary to carry out typology and historical context.

This study first classified the traditions of Mahdavi's attributes into three categories: personal, physical and personality. And then, while reporting on the historical context of these hadiths in the era of Imam Baqir, peace be upon him, he discussed the reasons for issuing the hadiths

Keywords: Imam Baqir (A.S), Mahdaviat, The Promised Mahdi, (A.S), Characteristics, Umayyads

-
1. Associate Professor, History Department, Imam Khomeini Educational and Research Institute (h.ghafarifar@yahoo.com)
 2. Assistant Professor, Baqir-ul-Ulum University, Faculty of Social Sciences, Qom, Iran (montazeri@iki.ac.ir)
 3. Researcher and Lecturer Jame'at al-Zahra (SA) seminary, Qom, Iran (Corresponding Author) (saforasalari@gimal.com)

گونه‌شناسی و بسترشناسی اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات امام

باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف

حامد منتظری مقدم^۱

حسن غفاری فر^۲

صفورا سالاریه^۳

چکیده

رسول خدا صلی الله علیه و آله اولین مروج اندیشه‌ی مهدویت در جامعه اسلامی بودند. اهل بیت پیامبر نیز به تأسی از ایشان، در ترویج این اندیشه تلاش وافر کردند. هر چه حاکمان از فرهنگ نبوی فاصله می‌گرفتند ظلم و جنایات آنان بر مردم بیشتر می‌شد. همین امر مسلمانان را بر آن داشت تا به دنبال یک منجی برای رهایی از ظلم و اختناق باشند. حرکت‌های اعتراضی نظیر مبارزه مختار با ظلم بنی‌امیه و طرح مهدویت محمدبن حنفیه، در همین فضا شکل گرفت. در مقابل حاکمان اموی نیز جهت مشروعیت‌بخشی، برای برخی خلفا خود ادعای مهدویت کردند. تا بدان جا که مهدی‌نمایی در عصر امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف از شدت بیشتری برخوردار شد. از این رو، آن حضرت در ضمن روایاتی، جزئیات اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را، برای شناخت دقیق‌تر و مقابله با مهدی‌نماها بیان فرمودند. برای درک صحیح فضای تاریخی و چرایی صدور این روایات، گونه‌شناسی و بسترشناسی تاریخی ضروری می‌باشد. مقاله‌ی پیش رو با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع روایی و تاریخی، روایات اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منقول از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. این روایات متشکل از سه گونه اوصاف شخصی، جسمی و اختصاصی است. امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این گونه‌ها، با ارائه‌ی شاخصه‌هایی، به دنبال اصلاح انحرافات، رد مدعیان دروغین مهدویت و ترویج نشانه‌های صحیح مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده‌اند و این آگاهی را به مسلمانان دادند؛ تنها کسی می‌تواند ادعای مهدویت کند که تمام ویژگی‌های مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توأمان داشته باشد و آن یک مصداق بیشتر ندارد، امام دوازدهم شیعیان، فرزند امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف است که هنوز ظهور نکرده است.

واژگان کلیدی

امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف، مهدویت، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، اوصاف، امویان.

۱. دانشیار گروه تاریخ موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه (montazeri@iki.ac.ir).

۲. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه باقرالعلوم عجل الله تعالی فرجه الشریف (h.ghafarifar@yahoo.com).

۳. مربی گروه تاریخ جامعه الزهراء عجل الله تعالی فرجه الشریف (نویسنده مسئول) (saforasalari@gmail.com).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۸/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲

انتظار ظهور مهدی علیه السلام در همان نیمه‌ی قرن اول هجری، در میان مسلمانان، بروز و ظهور یافت. این امر با فراگیر شدن دامنه‌ی ظلم و ستم در جامعه اسلامی، پررنگ‌تر گشته و به گسترش تفکر انتظار منجی، کمک می‌کرد و مردم را به سمت مهدویت سوق می‌داد. این گرایش نشان از مقبولیت اصل مهدویت در بین مردم داشت. زیرا براساس احادیث متواتر پیامبر صلی الله علیه و آله؛ با ظهور مهدی، ظلم ریشه‌کن و زمین سرشار از عدل و داد خواهد شد (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۸). این باور در میان مسلمین موجب می‌شد تا هر که شعار دادخواهی یا مبارزه با ظالمان را سر دهد و یا خدمات اجتماعی و اقتصادی داشته باشد، تلقی منجی نسبت به آن فرد را داشته و با او همراه شوند. لذا فعالان اجتماعی - سیاسی، با توجه به ظرفیت مشروعیت بخشی مهدویت، از این حقیقت به نفع خود سود برده و تلاش می‌کردند با معرفی خود به عنوان مهدی، مشروعیت و مقبولیت کسب کنند.

در این فضای اعتقادی - سیاسی، ائمه معصومین علیهم السلام به قدر فرصت دست یافته، مهدی عجل الله تعالی فرجه له را معرفی و مباحث مربوط به مهدویت را تبیین می‌کردند. اوج سوءاستفاده از جریان مهدویت در دوران امامت امام باقر علیه السلام است. چراکه ایجاد اختناق شدید از سوی امویان که از دوران معاویه آغاز و در دوران مروانیان شدت یافته بود مردم را از ظلم بی‌امان خسته کرد. لذا مسلمانان برای نجات و رهایی خود، از این فضای بد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، به دنبال یک منجی بودند. از سوی دیگر بعد از مرگ محمد بن حنفیه (۸۱ق)، خصوصاً بعد از مرگ فرزندش؛ ابوهاشم (۹۸ق)، کیسانیه به شاخه‌های متعدد با بُن مایه‌ی مهدویت تقسیم شدند. بحث داغ مهدی‌انگاری در این زمان به گونه‌ای بود که امویان برای آن که از این جریان عقب نمانند، برای برخی از خلفای خود ادعای مهدویت کردند. در این میان، آن افرادی که منتسب به پیامبر صلی الله علیه و آله بودند - به دلیل آن که «مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه له» نیز، از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است - امید بیشتری برای مقبولیت و پذیرش از سوی مردم داشتند. در چنین بستر تاریخی، وظیفه‌ی روشنگری امام باقر علیه السلام نسبت به تبیین جایگاه، منزلت و معرفی نشانه‌های شخصی، جسمی و اختصاصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه له الزامی‌تر گشت. آن حضرت، به میزان فرصت گفتگو با مخاطبان جامعه‌ی اسلامی، اقدام به روشنگری نسبت به گذشته و پیشگیری نسبت به آینده نمودند. ایشان با ارائه‌ی شاخصه‌هایی از «اوصاف شخصی»، «اوصاف جسمی» و «اوصاف اختصاصی»، مهدی واقعی را به مردم معرفی و به اصلاح انحرافات، مبارزه با مدعیان دروغین مهدویت و ترویج آموزه‌های صحیح مهدوی پرداختند. به

عنوان مثال؛ با تبارشناسی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر مبارزه با مدعیان دروغین علوی و غیرعلوی، این بصیرت و آگاهی را به مسلمانان دادند که ویژگی‌های اختصاصی، منحصر به فرد و منتسب به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، یک مصداق بیشتر ندارد و آن، تنها مهدی، فرزند حسن بن علی عسکری علیه السلام است که در آینده به اذن الهی ظهور خواهد کرد.

در این پژوهش تنها روایات اوصاف مهدوی منقول از امام باقر علیه السلام را گونه‌بندی، سپس نسبت به این دسته از روایات، بسترشناسی تاریخی صورت می‌گیرد.

در پیشینه‌ی این موضوع، تنها دو مقاله در باب اندیشه‌ی مهدوی امام باقر علیه السلام به نگارش در آمده است: «طرح اندیشه‌ی مهدویت از نگاه امام باقر علیه السلام» از امیر غنوی، که بیشتر به کلیات روایات بسنده شده و تحلیلی نسبت به صدور و یا اصل روایات ندارد. «مهدویت از منظر امام باقر علیه السلام» از عبدالکریم پاک‌نیا که متن کوتاهی در هفت صفحه به جمع‌آوری روایات مهدوی امام باقر علیه السلام پرداخته است. این مقالات با پژوهش حاضر تفاوت ماهوی دارند. چرا که این پژوهش به دنبال فهم روایات مهدوی منقول از امام باقر علیه السلام در گونه‌های وارده و تحلیل تاریخی و بسترشناسانه نسبت به این دسته از روایات است که تاکنون در این موضوع کتاب یا مقاله‌ای به تألیف نرسیده است.

مفهوم‌شناسی

گونه‌شناسی: دسته‌بندی مجموعه‌ای از یافته‌ها که در یک مقسم شریک باشند. در این مقاله مقسم؛ روایات مهدوی منقول از امام باقر علیه السلام است و قسیم‌ها بر مبنای وحدت در محور کلام آن حضرت سامان یافته‌اند.

بسترشناسی: بستر از نظر لغوی به معنای زمینه و امکان برای کاری، پایه یا اساس چیزی را گویند (انوری، ۱۳۸۲: ج ۲، ۹۶۸). محیطی که چیزی در آن رشد می‌کند یا رخ می‌دهد (انوری، ۱۳۸۲: ج ۵، ۳۸۷۷): مانند زمینه یک بیماری که عوامل و شرایطی منجر به ایجاد آن بیماری می‌شود. گاهی اوقات از بستر برای اشاره به محیط یا زمینه‌ای که چیزی در آن اتفاق می‌افتد، استفاده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳: ج ۸، ۱۱۳۹۴). بنابراین مراد از بسترشناسی احادیث؛ شناخت زمینه‌ها و شرایط تاریخی صدور، نقل و نشر حدیث، در ابعاد؛ فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است.

اوصاف شخصی: شامل؛ اسم، کنیه، لقب و نسب هر شخص است. در این مقاله مراد از اوصاف شخصی؛ نام، کنیه، القاب و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اوصاف اختصاصی: به ویژگی‌ها یا صفات منحصر به فرد است و هیچ شخص دیگری را نمی‌توان یافت که در آن صفات با فرد دیگر شبیه باشد. از این رو، اوصاف و ویژگی‌های اختصاصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایشان را از دیگر اشخاص، از جمله مهدیان جعلی متمایز می‌سازد. اوصافی چون؛ مخفی بودن ولادت، خردسال‌ترین فردی که در میان اهل بیت به امامت رسید، هدایت‌کننده به امر مخفی، منصور به رعب، دارای غیبت طولانی و شباهت به انبیاء است.

اوصاف جسمی: شامل، شمائل و ویژگی‌های بدنی و جسمانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

گونه‌شناسی روایات اوصاف مهدوی امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در دوران امامت خود در راستای معرفی مهدی واقعی و مبارزه با مهدیان جعلی، آثار و روایاتی از خود به جای گذاشتند. برای درک بهتر، می‌توان احادیث و اخبار وارده در این زمینه را، به سه دسته تقسیم کرد؛ اوصاف مهدی، نشانه‌های ظهور و حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، که هر کدام، به گونه‌های متعدد قابل تقسیم است. این پژوهش تنها بر «روایات اوصاف مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»، تمرکز کرده است. این دست از روایات شامل سه گونه: اوصاف شخصی، جسمی و اختصاصی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

فایده علمی گونه بندی روایات؛ توجه به میزان تکرار گزاره‌ها در بیان امام است. به طور مثال در معرفی نسب مشخص شد، امام باقر علیه السلام، نسب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از طریق کدامی ک از آباء و اُمهات معرفی و هریک را به چه تعداد دفعات تکرار کرده‌اند. این امر گویای اهمیت آن صفت یا علائم خاص است. قابل ذکر است:

۱. خصوص روایات «نام مهدی» و «اوصاف جسمی» به دلیل کمی روایات، امکان ارائه آمار و نمودار نیست.
۲. در رابطه با «لقب»، «نسب» و «اوصاف اختصاصی»، جهت تسهیل فهم نسبت به بسامد روایات، نمودار آماری ارائه شد.
۳. منبع و نمودار آماری بسامد روایات براساس متون روایی تا قرن هفتم می‌باشد. چراکه با آغاز غیبت کبری، عالمان شیعه قرن چهارم به طور جدی‌تر برای پاسداری از کیان مذهب و پاسخگویی معاندین، به غیبت‌نگاری روی آوردند. این روند تا قرن هفت ادامه داشت. اما از قرن هفت تا یازده نقل روایات مهدوی در منابع روایی کاهش یافت.

۱. اوصاف شخصی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نام

هر فرد در جامعه به وسیله نام شناخته می‌شود. نام نه تنها برای معرفی و اشاره به شخص استفاده می‌شود، بلکه نقش مهمی در هویت فردی و اجتماعی او دارد. در واقع، نام یک انسان به عنوان یک عنصر اصلی در زبان و ارتباطات، بخشی از شخصیت او را نمایان می‌کند. در خصوص نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سه روایت از امام باقر علیه السلام، وارد شده است.

- صریحاً نهی از ذکر نام آن حضرت کرده‌اند؛

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله دانستند؛

- ذکر دو نام برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: عمر بن خطاب از امیرالمؤمنین علیه السلام از نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کرد. آن حضرت فرمود اسمش را نمی‌گویم، زیرا حبیب و خلیل من سفارش کرده نام او را بازگو نکنم تا خدای تعالی او را مبعوث کند و آن از چیزهائی است که خدای تعالی نزد رسولش به ودیعه نهاده است (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۱۷).

امام باقر علیه السلام برای امکان شناخت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، می‌فرماید: نام او نام پیامبر صلی الله علیه و آله است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۸-۱۷۹؛ طبری، ۱۴۱۳: ۴۸۶).

در روایت دیگری می‌فرماید: دو نام دارد، یک نام در نهان احمد و یک نام آشکار محمد است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۵۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷: ۴۶۵).

در بسیاری از روایات به نقل از اهل بیت وارد شده که در دوران غیبت، از ذکر نام صریح آن حضرت خودداری شود. علت نهی برخی از روایات، ترس از فاش شدن محل و هویت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ذکر کرده‌اند (طوسی، ۱۳۸۸: ج ۱، ۴۶). چنان که امام باقر علیه السلام فرمودند: حتی بنی فاطمه که از خویشاوندان محسوب می‌شوند در میان آنان کسانی هستند که به دلیل حسادت و کینه، آن حضرت را که برپاکننده دولت حق و مجری عدالت واقعی است حاضرند بکشند، قطعه قطعه کنند تا برای رسیدن به امیال خود مانعی نداشته باشند (نعمانی، ۱۳۷۶: ۴۰۵). این موضوع نشان‌دهنده فضای سیاسی و اجتماعی دشواری است که امام زمان علیه السلام همیشه با آن مواجه خواهد بودند. به همین دلیل، پنهان کاری و احتیاط در ذکر نام ایشان به عنوان یک راهبرد امنیتی انتخاب شده است. اما روایات اشاره‌کننده به هم‌نامی آن حضرت با نام پیامبر صلی الله علیه و آله؛ بیانگر ارتباط خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله است. که تداعی‌کننده‌ی تداوم رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در تحقق عدل و انصاف، تعلیم و تربیت صحیح در

سراسر جهان است.

القاب

لقب، اسمی مختص، که به اعتبار معنا، بیان‌کننده‌ی ستایش یا نکوهش صاحب لقب است و مانند نام، شناسه‌ای مهم در معرفی افراد، به شمار می‌آید (راشد محصل، ۱۳۶۸: ۱). لقب در هویت بخشی افراد و برقراری روابط با دیگران و حتی مشارکت اجتماعی موثر است. امام باقر علیه السلام حضرت مهدی علیه السلام را با القاب زیر یاد می‌کنند که هر کدام برگرفته از اوصاف خاص آن حضرت می‌باشد.

- مهدی (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۷)؛

- قائم (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۶)؛

- صاحب الامر (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۵۶)؛

- مضطر (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ج ۲، ۵۶-۵۷).

بیشترین کاربرد، در روایات امام «قائم» است. امام باقر علیه السلام در جواب ابوحمزه ثمالی که چرا مهدی علیه السلام را قائم می‌خوانند؟ فرمود: هنگام شهادت جدّم حسین علیه السلام، فرشتگان گریسته، ضجّه زده و به درگاه الهی ناله کردند و گفتند: ای خدا آیا از کسی که برگزیده، فرزند برگزیده و بهترین خلق توسّط که این‌گونه کشته شده، غافل هستی؟ خداوند به ایشان وحی نمود: آرام باشید قسم به عزّت و جلالم، از قاتلین او انتقام خواهم گرفت اگر چه در زمانی دور باشد، سپس ائمه که از فرزندان حسین علیه السلام هستند را به ایشان نشان داد، آنها مسرور و خوشحال شدند در بین فرزندان حضرت یکی از آنها نماز می‌خواند، حقّ تعالی فرمود: با این قائم از قاتلین انتقام خواهم گرفت (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۶۰).





نمودار تعداد گزاره های القاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه) در روایات امام باقر (عجل الله تعالی فرجه)

نسب

نسب در لغت به معنی قرابت و خویشاوندی است. در اصطلاح به رابطه ی خونی و ژنتیکی بین دو فرد اطلاق می شود. نسب به مفهوم خاص عبارت است از: رابطه ی خونی و حقوقی موجود بین دو فرد که یکی از صلب یا بطن دیگری بوجود آمده باشد و این رابطه از جانب کودک «رابطه فرزندی» و از جانب پدر «رابطه پدری» و از جانب مادر «رابطه مادری» نامیده می شود (صفایی، ۱۳۸۴: ۴۰۴). امام باقر (عجل الله تعالی فرجه) در معرفی نسب مهدی (عجل الله تعالی فرجه) فرمودند:

- مهدی از بنی هاشم (ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۲۱۴، ۲۱۸ و ۲۶۴)؛

- قائم اهل بیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۶)؛

- مهدی از فرزندان علی (عجل الله تعالی فرجه) (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۳)؛

- مهدی از فرزندان فاطمه (عجل الله تعالی فرجه) (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲)؛

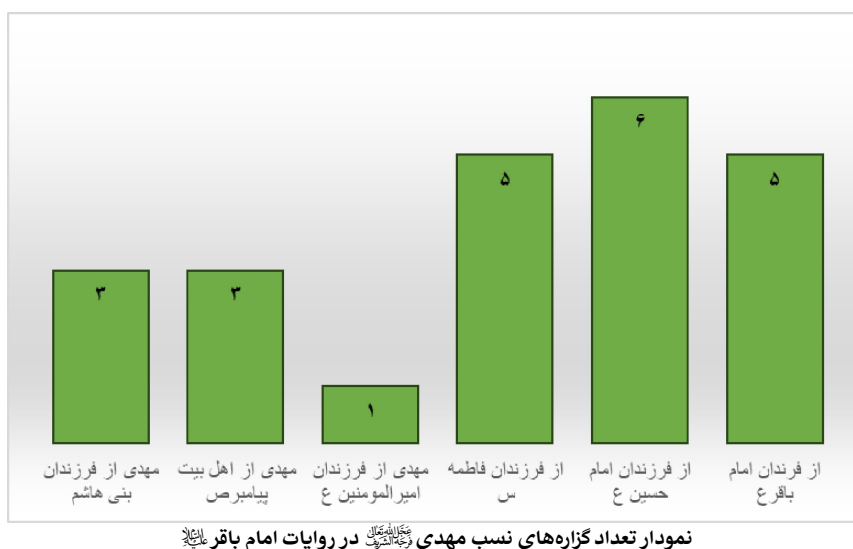
- مهدی فرزندان حسین (عجل الله تعالی فرجه) (ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۱۹۶)؛

- مهدی از فرزندان من (امام باقر (عجل الله تعالی فرجه) است (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۶۹).

آن طور که روایات تأکید دارند مهدی (عجل الله تعالی فرجه) از نسل فرزندان زهرائمه (عجل الله تعالی فرجه) است کمتر به نسل امیرالمؤمنین (عجل الله تعالی فرجه) اشاره می شود. دلیل این امر به کینه ها و عداوت هایی باز می گردد که نسبت به علی بن ابی طالب (عجل الله تعالی فرجه) وجود دارد. دشمنان تلاش کردند تا جایگاه آن حضرت را در تاریخ

حذف کنند. «ابوالهیثم بن تیهان»^۱ به خوبی این موضوع را تحلیل کرده و در خطاب به امیرالمؤمنین (علیه السلام) می گوید:

حسادت قریش بر تو دو دلیل داشت: یکی حسادت نیکان و برگزیدگان قریش بود که آرزو می کردند در فضائل و کمالات به اندازه ی تو افتخار کنند، و دیگری حسادت افراد شرور قریش بود که به دلیل رشک، دل های شان سنگین شده و اعمال شان باطل می گردید. آن نعمتی را در وجود تو می دیدند که تو به واسطه ی نیک بختی بدان نائل آمده ای و آنان از آن محروم بودند. به همین دلیل نه تنها به تو نپیوستند، بلکه تلاش کردند از تو پیشی بگیرند. به خدا سوگند رسیدن به قله ی مقصود و رقابت با تو بر آنان دست نیافتنی بود. تو از آنان پیش گرفتی و چون نتوانستند به تو ملحق شوند، درباره ی تو چنین رفتار کردند. تو در دوران حیات پیامبر (صلی الله علیه و آله) آنان را یاری کردی و پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز حق او را ادا نمودی. به خدا سوگند آنان بر خود ستم کردند و بیعت خدا را شکستند، در حالی که دست خدا بالاتر دست آنان بود. اما ما انصار، دست و زبان مان همراه بود، دست های ما بر حاضران شمشیر می کشید و زبان مان علیه افراد غائب سخن می گفت (ابو هلال عسکری، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ۲۱۷).



۱. ابوالهیثم بن تیهان، صحابی پیامبر (صلی الله علیه و آله) (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۴۰) و از یاران شهید امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ صفین بود (ابن أعثم کوفی، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ۱۷۷).

۲. اوصاف جسمی

مراد از اوصاف جسمی، همان ویژگی‌های بدنی است. امام باقر علیه السلام توصیفات در رابطه با ویژگی‌های بدنی و شمائل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان فرمودند که عبارتند از: صورتی نیکو، سرخ و سفید، علامت یا نشانه‌ای در آن (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۵)، دارای چشمانی گود و فرو رفته، ابروانی پرپشت، شانه‌ای پهن و قوی، مویی زیبا که بر شانه‌هایش فرو ریخته و درخشندگی چهره، سیاهی محاسن و سر او را تحت الشعاع قرار می‌دهد و از تبار خوش سیمایان است (مفید، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ۳۸۲). البته در روایاتی هم آمده که سرش پوسته یا همان شوره دارد. خالی در سر و خالی میان دو کتف، شکم پهن، جوانی چهار شانه می‌باشد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱۵).

برخی از مدعیان مهدویت، جهت مقبولیت، تلاش کردند خود را صاحب ویژگی‌هایی معرفی کنند که در روایات به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نسبت داده شده است. یکی از آن ویژگی‌ها، داشتن «خال» در بدن بود. چنان که حسنی‌ها وجود خال در محمد بن عبدالله (نفس زکیه) را دلیل بر مهدی بودن وی دانستند (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا: ۲۱۱). اما مهم‌ترین معیار برای شناسایی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره‌مندی از «جامع صفات» جسمی و نسبی است.

۳. اوصاف اختصاصی

صفات منحصر به فرد، که اختصاص به یک فرد دارد و کسی در آن ویژگی یا اوصاف با او شریک نمی‌باشد. اوصاف اختصاصی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اوصافی است که ایشان را از دیگر اشخاص، از جمله مهدیان جعلی متمایز می‌سازد. این اوصاف شامل:

- مخفی بودن ولادت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۸ و ۳۴۲)؛

- مهدی کوچک‌ترین و گمنام‌ترین فرد (طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۸۱)؛

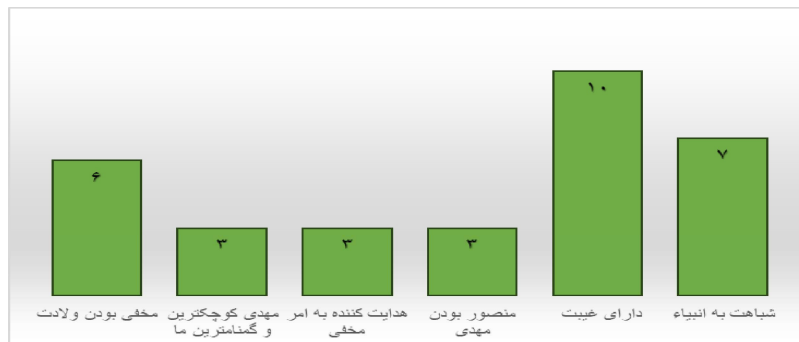
- هدایت‌کننده به امر مخفی (صدوق، ۱۳۸۵ق: ج ۱، ۱۶۱)؛

- منصور بودن مهدی (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۶۵۷)؛

- دارای غیبت و حیرت (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۸، ۳۴۰)؛

- شباهت به انبیاء است (صفار، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۸۳).

این ویژگی‌ها سهم بیشتری در شناخت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند. تعداد روایات مربوط به اوصاف اختصاصی بیشتر از روایات مربوط به نسب و اوصاف جسمی است این امر بیانگر اهمیت اوصاف اختصاصی در شناخت بهتر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.



نمودار تعداد گزاره‌های اوصاف اختصاصی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات امام باقر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بسترشناسی تاریخی روایات اوصاف مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

در دوران امامت امام باقر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظلم و ستم بنی‌امیه نسبت به مسلمانان، خصوصاً شیعیان فراگیر شده بود. این آزار و اذیت از همان ابتدای حکومت امویان آغاز گردید و هر چه بر قدرت مسلط‌تر می‌شدند، فشار و اختناق بر مردم افزایش می‌یافت. هرچند در دوران سلیمان بن عبدالملک و عمر بن عبدالعزیز آزادی نسبی به وجود آمده بود. اما آثار ظلم و جنایات، از گذشته هم‌چنان بر سر مردم سنگینی می‌کرد. از سویی مردم در روایات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و دیگر اهل بیت (علیهم السلام) شنیده بودند که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هنگام ظلم فراگیر ظهور خواهد کرد. از این رو، مسلمانان با مراجعه به روایات، برای رهایی از بیدادگران به دنبال مهدی نجات‌بخش بودند. آنان تصور می‌کردند با فراگیر شدن ظلم و جنایات حاکمان اموی، زمان ظهور فرا رسیده و می‌توانند با ظهور منجی، خود را از زیر بار فشار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نجات دهند. چنان‌که عبدالحمید واسطی به امام باقر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرض می‌کند:

ما بازارهای خود را برای انتظار فرج ترک کرده‌ایم (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۶۴۴).

جمعی از اصحاب خدمت امام رسیده، اظهار خستگی از ظلم و بیدادگری داشته و خواستار قیام قائم هستند. عبدالغفار بن قاسم به نزد امام باقر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رفته، شکوایه می‌کند که پیر شدم؛ ولی هنوز شما را تحت ظلم و بیداد می‌بینم. هر روز با خود می‌گویم امروز قائم ما قیام می‌کند یا فردا؟ (خزاز، ۱۴۰۱: ق: ۲۵۱-۲۵۲)

در چنین فضایی، مسلمانان، با قیام‌هایی که رویکرد مبارزه با ظلم، احیای «عدالت» و اجرای «امر به معروف و نهی از منکر» داشت، همراه می‌شدند. این بستر، زمینه را حداقل برای دو گروه مستعد می‌ساخت؛ کسانی که به قصد رهایی از ستم، به دنبال منجی یا همان مهدی

موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودند اما از سر جهل و ناآگاهی، در تطبیق مصداق به خطا می‌رفتند و کسانی که فرصت طلب بوده، خود را مستقیم و یا به واسطه‌ی مریدان به عنوان مهدی معرفی می‌کردند. دسته‌ی اول افرادی چون؛ محمدبن حنفیه، ابوهاشم فرزند محمدبن حنفیه (اشعری، ۱۳۶۰: ۳۷-۲۵)، زیدبن علی و دیگر علویانی که سال‌ها بعد قیام کردند، را مهدی می‌پنداشتند. دسته‌ی دوم؛ کسانی که، برای برخی از خلفای اموی همچون سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزیدبن عبدالملک و... ادعای مهدویت می‌کردند. در زمانی که مردم منتظر مهدی موعود بودند مدعیان یا حامیان آنان تلاش داشتند با تمسک به برخی نشانه‌های «اوصاف شخصی، جسمی، اختصاصی» مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روایات، رهبران خود را مصداق مهدی معرفی کنند تا علاوه بر اقبال جامعه به دلیل نیاز به منجی، مشروعیت دینی نیز کسب کنند.

۱. بستر تاریخی گونه اوصاف شخصی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و صدور روایات

یکی از فرقه‌هایی که در دوران امامت امام باقر (ع) به طور فعال به دنبال مهدی‌نمایی بودند فرقه‌ی کیسانیه بود. این فرقه از جنبش مختار انشعاب یافته و معتقد به امامت محمدبن حنفیه و اعقاب او بودند (ارزیناآر. لالانی، ۱۳۸۱: ۴۳). کیسانیه در آن زمان به چند شاخه تقسیم شده بودند^۱ و هر کدام نسبت به رهبران خود ادعای مهدویت داشتند (اشعری، ۱۳۶۰: ۳۷-۲۵). برخی از آنان براساس روایات نبوی که فرموده بودند: «هرگز روزها و شب‌ها سپری نمی‌گردد مگر این که خداوند مردی از خاندانم که هم‌نام و هم‌کنیه من است و پدرش هم‌نام پدرم است، برانگیزد و زمین را پُر از عدل و داد می‌کند هم‌چنان که از جور و ستم پر شده باشد» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹۷). محمدبن حنفیه را مهدی دانستند. از این باب که نام او محمد و لقب او به ادعای کیسانیه ابوالقاسم است (قاضی و داد، ۱۹۷۴م: ۲۲۷-۲۲۸). علاوه‌ی به جهت این که فرزند امیرالمؤمنین (ع) است، هاشمی و علوی نیز محسوب می‌گردد. آنان در پاسخ به این که؛ تسمیه‌ی اشخاص به نام و کنیه‌ی پیامبر (ص) است، توسط پیامبر (ص) منع شده، به روایتی از پیامبر (ص) تمسک می‌کردند که در خطاب به امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: بعد از من صاحب پسری می‌شوی، نام و کنیه مرا بر او را قرار ده (ذهبی، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۱۱۵). همچنین در توجیه هم‌نامی پدر مهدی با پدر رسول خدا (ص)، استناد به نامه‌های امیرالمؤمنین (ع) می‌کردند؛ آن حضرت در ابتدای نامه‌ها خود را «عبدالله» می‌نامیدند،^۲ بنابراین نام پدر ابن

۱. کربیه، حرمانیه، حربیه، خرمیه، هاشمیه، رزامیه، حیانیه، بیانیه (نوبختی، ۱۳۸۸ق: ۴۲-۵۰).

۲. «ان من أسماء أمير المؤمنين عبدالله بقوله: أنا عبدالله وأخو رسول الله وأنا الصديق الأكبر لا يقولها بعدي إلا كذاب ففتى»

حنفیه، عبدالله، هم نام پدر رسول خدا ﷺ است. حال آن که عبدالله نامیدن امیرالمومنین علیه السلام، از باب عبودیت و بندگی خدا بود نه از باب نام گذاری.^۱

لذا امام باقر علیه السلام مهدی واقعی هم نام پیامبر ﷺ را کسی می داند که یک نام در نهان «احمد» و یک نام آشکار «محمد» دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۱۱۷). البته با تأکید بر این که از نسل حضرت زهرا علیه السلام و فرزندان حسین علیه السلام است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲). با این قید، محمد بن حنفیه که در زمره فرزندان حضرت زهرا علیه السلام نیست، نمی تواند همان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. اوصاف وارده در روایات برای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای بود که بنی امیه نمی توانست از میان خود فردی را به عنوان مهدی معرفی کند. از این رو مهدی انگاری از سوی آنان، خصوصاً معاویه و فرزندش یزید، چندان مورد اقبال قرار نگرفت. البته معاویه تلاش کرد ابتدا با سکوت نسبت به این موضوع آن را به فراموشی سپارد. سپس تحت تأثیر افکار مسیحیت به دنبال مهدی سازی حضرت عیسی علیه السلام و انکار وجود مهدی در میان فرزندان پیامبر ﷺ برآمد. به بنی هاشم می گفت: «گمان پادشاهی هاشمی و مهدی قائم از میان شما، باطل است، مهدی همان عیسی بن مریم است. امر خلافت به دست ما است، تا آن را به او تسلیم کنیم» (مجهول، ۱۳۹۱ق: ۵۱). برخلاف سفیانیان، برای اکثر خلفای مروانی به ویژه عمر بن عبدالعزیز ادعای مهدویت شد.

آنان با انتساب روایاتی به امام باقر علیه السلام، نسب مهدی را از عبد شمس دانستند: عَرَزَمی گوید از محمد بن علی علیه السلام شنید، که می فرمود: پیامبر از ما و مهدی از خاندان عبد شمس است و ما کسی جز عمر بن عبدالعزیز را مهدی نمی دانیم و این گفته ی امام در روزگار خلافت عمر بن عبدالعزیز بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۴۵، ۱۸۷).

ابو یعفر از امام باقر علیه السلام می پرسد:

مردم می پندارند که مهدی میان شماست. امام فرمود: آری همین گونه است ولی از خاندان عبد شمس است. منظورش عمر بن عبد العزیز بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ۴۵، ۱۸۸).

گویند؛ یکی از نام های امیرالمومنین علیه السلام، عبدالله بود؛ چنان که خود ایشان خبر داده؛ من بنده خدا و برادر رسول خدا و صدیق اکبرم. هیچ کس بعد از من چنین ادعایی نمی کند مگر این که دروغگو و افترازن باشد (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۹۷).

۱. حضرت در نامه های اداری و رسمی به اُمراء، خود را عبدالله (بنده ی خدا) می نامیدند و می نوشتند: «مِن عبدالله علی امیرالمومنین» (نهج البلاغه، نامه ۱ و ۵)؛ دلالت آن روایات بر مدعای کیسانیه بر امامت و قائمیت خواندن محمد بن حنفیه، شدیداً مورد انکار واقع شده است (نصیرالدین طوسی، ۱۴۰۵ق: ۴۱۴).

در چنین بستری امام باقر علیه السلام، در مقام رفع و دفع شبهه برآمده و برای جداسازی سره از ناسره، به اوصاف و مشخصات نام و نسب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرداختند. آن حضرت در روایات متعدد، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم‌نام پیامبر صلی الله علیه و آله (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ص ۱۷۸، ۱۷۹) و از نسل بنی‌هاشم (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۶۴) معرفی کردند، با این دو قید کسانی که ادعا کردند امام باقر علیه السلام مهدی را از نسل عبد شمس و عمر بن عبد العزیز را مصداق آن می‌داند باطل می‌گردد. با مشخصه‌ی مهدی از عترت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۲۸۲)، از نسل فرزندان علی علیه السلام (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۵۳)، فاطمه علیه السلام (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲) و حسین علیه السلام (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۶۸)، هر مدعی که از این نسب بی‌بهره باشد مهدویتش منتفی است. چراکه محمد بن حنفیه و فرزندش ابوهاشم اگرچه از فرزندان امیرالمومنین علیه السلام می‌باشند، اما از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت زهرا علیه السلام نیستند. کلام امام معصوم محدود به عصر و زمانه‌ای که در آن زیست می‌کند، نیست. در نتیجه این شاخصه‌های نسبی، ادعای حسنی‌ها برای مهدی نمایی نفس زکیه و عباسیان، بعد از حیات امام باقر علیه السلام را نیز از اعتبار ساقط می‌سازد. شاخصه‌ی دیگری که امام برای شناخت بهتر و دقیق بیان می‌فرمایند؛ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را هفتمین فرزند از نسل خود معرفی می‌کنند (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۶۹). امام می‌فرمایند:

قائم ما هفتمین فرزند از نسل من است که اکنون زمان ظهور او نیست (خزاز، ۱۴۰۱ق: ۲۵۲).

این شاخصه‌ی نسبی، آن دسته از مدعیان را که به دنبال مهدی‌نمایی «زید بن علی» بودند را نیز خارج می‌سازد. هر چند زید از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه زهرا علیه السلام و حسین بن علی علیه السلام است اما از نسل امام باقر علیه السلام نمی‌باشد. ظاهراً زمزمه‌ی مهدویت زید در زمان امام باقر علیه السلام شایع بود. هر چند زید در آن زمان این اعتقاد و شایعه را رد می‌کرد و می‌گفت: برادرم محمد بن علی علیه السلام امام وقت است (کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۵۰-۳۵۱). اما اعتقاد زید به خروج و قیام به سیف (ارزینا آر. لالانی، ۱۳۸۱: ۶۳) از ویژگی‌های مهم مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف به هنگام قیام و برپایی عدالت است او را به گزینه‌ی مهدی بودن نزدیک می‌کرد.

۲. بستر تاریخی روایات گونه اوصاف جسمی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صدور روایات

پیشگویی منتسب به خلیفه‌ی دوم که؛ فرزندی از نسل او در چهره‌اش علامتی است، جهان

را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن زمان که زمین پر از ظلم و جور شده است،^۱ و یا عبدالله بن عمر که می‌گفت: «ای کاش می‌دانستم چه کسی از نسل پدرم، که در صورتش نشانی است زمین را پر از عدل می‌کند؟»^۲ با توجه به آن که نسب عمر بن عبدالعزیز از طرف مادر به خلیفه‌ی دوم می‌رسد. مادرش ام عاصم لیلی، دختر عاصم بن عمر بن خطاب بود (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۳). امویان مدعی شدند خراشیدگی در پیشانی عمر بن عبدالعزیز، نشان از مهدویت وی است. لذا از زمان استانداری عمر دوم بر مدینه (۸۷-۹۳ق) بحث مهدویت وی مطرح گردید. هنگامی که از سعید بن مسیب (م ۹۴ق) مشاور و مرجع علمی عمر بن عبدالعزیز (ذهبی، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ۱۲۷) در رابطه با مهدی سوال شد، عمر دوم را به عنوان مهدی معرفی و نشان مهدویت وی را همان شکستگی پیشانی دانست (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۶). سعید بن مسیب در پی درخواست کسانی که علاقه مند بودند مهدی را از نزدیک ملاقات کنند می‌گفت: وارد خانه مروان شو و مهدی را ببین. مهدی همان کسی است که روی تخت نشسته است. برای او دعا کنید (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق: ج ۴۵، ۱۷۸). این سخنان نشان می‌دهد مروان بن پیش از آغاز حکومت عمر بن عبدالعزیز، به دنبال مصادر مهدویت بودند تا در نزد مردم جایگاهی بیابند. هر چند پدر و برادر عمر بن عبدالعزیز «أَشَجَّ» (اثر شکستگی در پیشانی) را نشانی برای رسیدن به مُلک و حکومت برای او می‌دانند (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲م: ۳۶۲) نه نشانه‌ی مهدویت.

بنابر برخی از نقل‌های تاریخی، محمد بن عبدالله بن حسن (نفس زکیه) دارای لکنت زبان بود. وی به هنگام خطبه خواندن در ادای سخن می‌ماند. به سختی لغات را بر زبان می‌آورد (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۷، ۵۶۲). مدعیان مهدویت نفس زکیه، با انتساب روایتی به پیامبر ﷺ، مبنی بر این که مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دارای لکنت و سنگینی زبان است،^۳ لکنت زبان نفس زکیه را دلیلی بر مهدی بودن وی دانستند. این روایت اولین بار در کتاب *الفتن* ابن حماد (۲۲۹)

۱. قَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ: «شَعْرِي مِنْ ذُو الشَّيْنِ مَنْ وَلَدَى الَّذِي يَمْلُؤُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۴؛ ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۷۱؛ ابن قتیبه دینوری، ۱۹۹۲م: ۳۶۲).

۲. «لَيْتَ شَعْرِي مَنْ هَذَا الَّذِي مِنْ وَلَدِ عُمَرَ، فِي وَجْهِهِ عَلَامَةٌ، يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا» (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۲۵۴؛ طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۶، ۵۶۶).

۳. حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ، وَرَشْدِينَ، عَنْ ابْنِ لَهْيَعَةَ، عَنْ إِسْرَائِيلَ بْنِ عَبَادٍ، عَنْ مَيْمُونِ الْقَدَاحِ، عَنْ أَبِي الطَّفِيلِ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَصَفَ الْمَهْدِيَّ فَذَكَرَ ثَقْلًا فِي لِسَانِهِ، وَضَرْبَ بَفْخَذَةِ الْيَسْرَى بِيَدِهِ الْيَمْنَى إِذَا أَبْطَأَ عَلَيْهِ الْكَلَامُ، «اسْمُهُ اسْمِي، وَاسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي» (ابن حماد، ۱۴۲۳ق: ۲۸۷) سند روایت ضعیف است و ابن لهيعة فردی ضعیف در نقل روایات است (ابن معین، ۱۳۹۹ق: ج ۱، ۶۷-۶۸).

آمده است که رجالیون ابن حماد را اهل وهم و خطا در نقل می‌دانند (ذهبی، ۱۴۱۴ ق: ج ۱۰، ۵۹۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴ ق: ج ۱۰، ۴۶۲؛ خطیب بغدادی، ۱۴۲۲ ق: ج ۱۳، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۲). علاوه بر آن که سند روایت نیز ضعیف است.

این گونه مهدی سازی ها از نگاه امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف دور نمانده است. از این رو در مقابل سوء استفاده گران، از اوصاف جسمی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، در توصیف چهره‌ی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند: از تبار نکورویان^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۱۶)، نیکو صورت^۲ (مقدسی شافعی، ۱۴۲۸ ق: ۶۸)، چهره‌ای همچون چهره‌ی حضرت یوسف^۳ (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۲۸)، پوست صورت متمایل به سرخی^۴ (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۱۵ و ۲۲۸) یا سفیدی متمایل به سرخی است^۵ (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۶۵۳). در میان عرب کسی که سفیدی زیاد ندارد و چهره‌اش به سرخی تمایل دارد گندمگون اطلاق می‌شود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹ ق: ج ۶، ۵۶۹) و این رنگی است که برای اشراف و بزرگان عرب توصیف می‌شود (قاضی نعمان، ۱۴۰۹ ق: ج ۳، ۳۷۸).

از امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف در باب شمائل و توصیف چهره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شش روایت وارد شده، که تنها در یک روایت عبارت «بَوْجْهٍ أَثَرٌ» (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۱۵) آمده است که الزاماً "خراشیدگی یا شکستگی" در پیشانی که نوعی زشتی را به همراه دارد، نمی‌تواند باشد. «بَوْجْهٍ أَثَرٌ» یک نشانه است که می‌تواند خال یا هر علامت دیگر باشد. از طرفی در روایات معتبر صادره از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام، نسبت به زیبارویی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۲۹؛ صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۱، ۴۳۷).

اما به دو دلیل نمی‌توان به روایتی که عبارت «بَوْجْهٍ أَثَرٌ» دارد، اعتماد کرد:

۱. در سند روایت افرادی چون؛ أحمد بن هوزة، إبراهيم بن إسحاق النهاوندي، عبدالله بن حماد الأنصاري، عبدالله بن بكير و حمران بن أعين قرار دارند که به دلیل غالی بودن، إبراهيم بن إسحاق النهاوندي (ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۳۹) و فطحی بودن عبدالله بن بكير (طوسی، ۱۴۲۰ ق: ۱۰۶) موجب ضعف روایت است.

۲. به غیر از روایت منتسب به امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف، دیگر ائمه در توصیف چهره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. «ابن الأرواع».

۲. «حسن الوجه».

۳. «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فِيهِ شَبَهٌ مِنْ يَوْسُفَ».

۴. «المُشْرِبُ حَمْرَةً».

۵. «أَبْيَضُ اللَّوْنِ مُشْرِبٌ بِالْحُمْرَةِ».

عبارت «بوجهه اثر» را ندارند. و تنها در توصیف سفیانی عبارت «بَوَجْهِهِ أَثَرُ جُدَرِي» به معنای زشتی در چهره آمده است (صدوق، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۶۵۱).

۳. بستر تاریخی گونه‌ی اوصاف اختصاصی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و صدور روایات

باورمندی اعتقادی به مهدویت در میان شیعیان موجب شد تا برای هر فردی با شور انقلابی و انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله، ادعای مهدویت شود. به همین منظور مختار با بهره‌گیری از شعارهایی چون: «یالشارات الحسین» (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ج ۶، ۳۸۰)، «دفاع از ضعیفان و بی پناهان» (طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۶، ۱۳)، «اصلاحات اجتماعی» (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ج ۲، ۴۸۳) و استفاده مکرر از واژه‌ی «مهدی» برای محمدبن حنفیه (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ج ۵، ۷۴؛ طبری، ۱۳۸۷ ق: ج ۵، ۵۸۰ و ج ۶، ۷۶) موفق شد تا بخشی از جامعه‌ی اسلامی را با خود همراه و در یک حرکت تهاجمی فراگیر به مبارزه با امویان برخیزد. او با طرح مهدویت محمدبن حنفیه توانست به جنبش خود مشروعیت و مقبولیت بخشد که این باور بعدها موجب شکل‌گیری فرقه کیسانیه گردید. کیسانیه برای اثبات مهدویت ابن حنفیه و تطبیق با مهدی موعود وعده داده شده از طرف خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله، در پی همسان‌سازی نشانه‌ها برآمدند. آنان با ترویج شخصیت ماورایی محمدبن حنفیه (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ج ۶، ۴۵۱) و توصیفاتی چون: نامیرایی بودن (کشی، ۱۴۰۹ ق: ۳۱۶-۳۱۵)، غیبت در کوه رضوی^۱، مراقبت حیوانات وحشی از ابن حنفیه و مطیع بودن حیوانات اهلی نزد او (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۴۶)، فراهم بودن چشمه‌ای از آب و چشمه‌ای از عسل (اسفراینی، ۱۹۸۳ م: ۳۱) و غذای بهشتی برای او (حمیری، ۱۹۴۸ م: ۱۵۷) و ادعای بر این که هیچ امام دیگری از غیبت تا ظهور محمدبن حنفیه نخواهد آمد و بعد از ظهور، تنها او مالک زمین شده و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ص ۴۶). مهدی انگاری ابن حنفیه را باورپذیر می‌کردند.

امویان نیز در جهت رقابت با علویان به دنبال مهدی‌سازی از میان خود برآمدند. چنان که عبدالملک بن مروان (ح ۶۵-۸۶) را با ویژگی‌هایی چون: نورانیت، کرامت، هدایت، درستکاری و پاکی، مهدی در معنای لغوی دانسته (جریربن عطیه، ۱۳۹۸ ق: ۲۷۸) و در وصف وی سرودند؛ تو همان شخصیت مبارکی هستی که خداوند به دست تو شیعیانش را هدایت می‌کند (همان: ۲۷۷). ولیدبن عبدالملک (ح ۸۶-۹۶) را نیز مهدی هدایت شده یا هدایتگر

۱. رضوی نخستین کوه از کوه‌های تهامه، در یک منزلی ینبع و هفت منزلی مدینه است (طریحی، ۱۳۷۵ ش: ج ۱، ۱۸۸) غیر از کربیه که اعتقاد به غیبت در مکانی مجهول دارند (نوبختی، ۱۳۸۸ ق: ۴۴).

خواندند (جریر بن عطیه، ۱۳۹۸ق: ۳۰۳). در زمان سلیمان بن عبدالملک نگاه جدی تری به مسئله مهدویت شد. یعنی علاوه بر معنای لغوی، معنای اصطلاحی نیز مد نظر قرار گرفت و به وی لقب «مهدی» دادند (فرزدق، ۱۴۱۴ق: ۲۳۱-۲۳۲ و ۴۲۶). این لقب براساس باور هدایت‌گری و منجی‌گرایی است که تباهی را از دین زدوده و عدل را جایگزین ظلم و ستم کرده است (همان: ۲۹۳-۲۹۴). او را مهدی منتقم (همان: ۶۱۳-۶۱۴) و موعودی که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، توصیف کردند (صاوی، بی‌تا، ۴۳۲) و حکومت وی را همانند حکومت پیامبر ﷺ دانستند (جریر بن عطیه، ۱۳۹۸ق: ۳۴۶-۳۴۷) که جز اطاعت از مهدی راهی برای مسلمانان نیست (عطوان، بی‌تا: ۱۵۴). اوج مهدی‌نمایی اصطلاحی در میان امویان، در دوران عمر بن عبدالعزیز است. روی کار آمدن عمر بن عبدالعزیز، با شعار و رویکرد «عدالت‌محوری»، (فسوی، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۶۱۳) نقش تعیین‌کننده‌ای در مهدی‌سازی وی داشت. اقدامات اجتماعی (فسوی، ۱۴۰۱ق: ج ۱، ۶۱۳) و اقتصادی (ذهبی، ۱۴۰۷ق: ج ۷، ۱۹۵) اصلاح‌گرایانه، از او یک شخصیت ویژه‌ای به نمایش گذاشت، تا مهدی‌نمائی وی، نزد طرفدارانش باورپذیر گردد. به گونه‌ای که طبق مطالب پیش گفته، مدعی شدند؛ مهدویت عمر بن عبدالعزیز از زمان خلیفه دوم پیشگویی شده بود (مقدسی، بی‌تا: ج ۶، ۴۵) و تا بدان جا پیش رفتند که مدعی شدند، نه تنها انسان‌ها بلکه حیوانات نیز در حکومت عمر دوم از امنیت بهره‌مند بودند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۵، ۳۰۱). زمینه‌ی تاریخی و روایی این ادعا به روایت امیرالمؤمنین (ع) در توصیف حکومت حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه) برمی‌گردد (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۱۵) و مبلغان اموی آن را به حکومت عمر بن عبدالعزیز به عنوان مهدی نسبت داده‌اند.

روایات روشنگرایانه امام باقر (ع) برای آن عصر و آیندگان، زمینه‌ی تشخیص مهدی واقعی از غیرواقعی را فراهم ساخت. در این راستا آن حضرت، اوصاف جامعی را در رابطه با اوصاف اختصاصی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) بیان فرمودند که آن اوصاف عبارتند از؛ مهدی کسی است که ولادتش مخفی است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۴۲)، خردسال‌ترین فرد از نظر سن و از حیث شخص گمنام‌ترین فرد در میان اهل بیت است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۸۴ و ۳۲۲). یگانه، تنها،^۱ منتقم خون پدر^۲ و هدایت‌کننده به امر مخفی (راستی‌ها) است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۳۱۹ و ۳۲۷)،

۱. «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ هُوَ الظَّرِيفُ» (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۸، ۱۷۹؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۴۸۶).

۲. «الشَّرِيفُ الْمُؤْتَوَرُ بِأَبِيهِ» مَوتور: از نظر لغت به کسی گویند که یکی از کسانش کشته شده؛ ولی خون بهای او گرفته نشده است (طریحی، ۱۳۷۵ش: ج ۳، ۵۰۹). در برخی از روایات از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، به عنوان «مَوتور بوالده» و یا «مَوتور بابیه» یاد شده است؛ یعنی، کسی که پدرش کشته شده و از خون او مطالبه و خون‌خواهی نشده است. مراد از «پدر» در این

«منصور به رعب» و «مؤید به نصر» است (طبرسی، ۱۴۱۷ق: ۴۶۳)، کسی که خداوند با القای ترس در دل دشمنانش به او یاری می‌رساند. صاحب غیبتی است که یکی طولانی‌تر از دیگری است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۳۳۸؛ ابوصلاح حلبی، ۱۴۰۴ق: ۴۲۸)، شباهت به انبیاء سلف دارد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۹۳)؛ با یونس بن متی پس از غیبت بازگشت در کِبَر سن (صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۴۴)، در جوانی و زیبایی و غیبت مانند حضرت یوسف علیه السلام، در تولد شبیه حضرت موسی علیه السلام (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ۹۳؛ موسوی اصفهانی، ۱۴۲۸ق: ۲۶۳) تردید در ولادت مانند حضرت عیسی علیه السلام، عمل‌کننده به سنت و سیره‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و ابقاکننده دین و احیاکننده احکام و شریعت می‌باشد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۶۴؛ صدوق، ۱۳۹۵ق: ج ۱، ۱۵۲؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۰ و ۴۲۴). این توصیفات جامع را هیچ یک از مدعیان مهدوی علوی و اموی ندارند و تنها اختصاص به حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف هفتمین فرزند از نسل امام باقر علیه السلام دارد که هنوز ظهور نکرده است.

نتیجه‌گیری

در دوران حاکمیت بنی‌امیه، به دلیل ظلم فراگیر، بستر مهدی‌خواهی و مهدی‌نمایی فراهم شد. در این فضا که سوءاستفاده از باور و عقیده صحیح مهدوی رایج شده بود، امام باقر علیه السلام همگام با فعالیت‌های هدایتی و تربیتی در عرصه‌ی سیاسی، اجتماعی و علمی، با یک حساسیت و دقت در گزینش تعبیر و تنوع در واژه‌ها، تلاش ویژه‌ای جهت روشنگری و بصیرت‌افزایی نسبت به مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف انجام دادند. آن حضرت با هدف اصلاح انحرافات اعتقادی، فرقه‌ای و ترویج آموزه‌های صحیح؛ شاخصه‌های را برای شناخت بهتر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان فرمودند تا عموم مردم حق طلب بتوانند مهدی واقعی را از جعلی تشخیص دهند. آن حضرت با عبارت: «هو من بنی هاشم»، مدعیان مهدی از نسل عبدالشمس را نفی کردند. با معرفی «المهدی رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ»، هر مدعی از بنی‌هاشم که در دایره‌ی فرزندان حضرت زهرا علیها السلام نباشند، را خارج ساختند. با «تِسْعَةُ أُمَمَةٍ بَعْدَ الْحُسَيْنِ بَنِي عَلِيٍّ تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ» متذکر شدند که قائم، از نسل امام حسن علیه السلام نیست، بلکه محدود به نسل امام حسین علیه السلام است و با قید «السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي وَلَدِي الْقَائِمُ» آن دسته از افرادی که از حیث نسب به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام و یا حتی امام حسین علیه السلام می‌رسیدند ولی از فرزندان امام باقر علیه السلام نیستند از لیست

روایت، ممکن است امام حسن عسکری علیه السلام، یا امام حسین علیه السلام و یا تمامی ائمه معصومین علیهم السلام باشند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۷۸).

مهدی بودن، خارج کردند.

علاوه بر نسب، امام باقر علیه السلام از طریق بیان شمائل مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عده‌ای را به صورت خاص از مصداق مهدی موعود خارج می‌کنند. نظیر نفس زکیه در میان علویان و عمر بن عبدالعزیز در میان امویان.

همچنین با توصیف ویژگی‌های اختصاصی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به؛ ولادت مخفی، خردسال‌ترین و گمنام‌ترین فرد در میان اهل بیت، هدایت‌کننده به امر مخفی، منصور به رعب، دارای غیبت و شباهت به انبیاء، همه‌ی مدعیانی که دارای چنین اوصاف جامعی نباشند ادعای آنان را باطل دانستند.

منابع

۱. ابن اعثم کوفی، أبو محمد أحمد (۱۴۱۱ق)، *الفتوح*، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالأضواء، اول.
۲. ابن بابویه، علی بن حسین (۱۴۰۴ق)، *الإمامة والتبصرة من الحيرة*، تحقیق: مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری، اول.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین وتمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، دوم.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ق)، *فتح الباری*، تصحیح: أشرف علی، محب الدین الخطیب، عبدالعزیز بن عبدالله بن باز، بیروت: دارالمعرفة.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دارالفکر، اول.
۷. ابن حماد، نعیم (۱۴۲۳ق)، *الفتن*، مصحح: مجدی بن منصور شوری، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۸. ابن سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، اول.
۹. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقیق: عمرو بن غرامة العمروی،

- بیروت: دارالفکر.
۱۱. ابن عطیه، جریر (۱۳۹۸ق)، *دیوان جریر*، بیروت: دار بیروت.
 ۱۲. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴)، *رجال*، تحقیق: محمدرضا حسینی، قم: دارالحديث، اول.
 ۱۳. ابن قتیبه دینوری، عبدالله (۱۹۹۲م)، *المعارف*، تحقیق: ثروة العاشة، قاهره: الهيئة المصرية العامة.
 ۱۴. ابن معین، یحیی (۱۳۹۹ق)، *تاریخ ابن معین (روایة الدورى)*، تحقیق: د. أحمد محمد نور سیف، مکه: الناشر مركز البحث العلمی وإحياء التراث الإسلامی.
 ۱۵. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین (بی تا)، *مقاتل الطالبین*، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت: دارالمعرفة.
 ۱۶. ابوصلاح الحلبي، تقی بن نجم (۱۴۰۴ق)، *تقریب المعارف*، تحقیق: فارس تبریزیان (الحسون)، قم: الهادی، اول.
 ۱۷. أبوهرال عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۸ق)، *الأوائل*، طنطا: دارالبشير، اول.
 ۱۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، *كشف الغمة فی معرفة الأئمة*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز: بنی هاشمی، اول.
 ۱۹. ارزینا آر، لالانی (۱۳۸۱)، *نخستین اندیشه های شیعی تعالیم امام باقر علیه السلام*، ترجمه: فریدون بدره ای، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
 ۲۰. اسفراینی، طاهر بن محمد (۱۹۸۳م)، *التبصیر فی الدین*، بیروت: عالم الکتب، اول.
 ۲۱. اشعری قمی، سعد بن عبدالله (۱۳۶۰)، *المقالات والفرق*، قم: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، دوم.
 ۲۲. انوری، حسن (۱۳۸۲)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: انتشارات سخن.
 ۲۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، تحقیق: جلال الدین محدث، قم: دارالکتب الإسلامية، دوم.
 ۲۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، *انساب الأشراف*، تحقیق: سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر، اول.
 ۲۵. پاک نیا، عبدالکریم (۱۳۸۴)، «مهدویت از منظر امام باقر علیه السلام»، *فرهنگ کوثر*، شماره ۶۲.

۲۶. حمیری، نشوان بن سعید (۱۹۴۸م)، *حورالعین*، تحقیق: کمال مصطفی، قاهره: مكتبة الخانجي.
۲۷. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم: بیدار.
۲۸. خطیب بغدادی، أبوبکر أحمد بن علی (۱۴۲۲ق)، *تاریخ بغداد*، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دارالغرب الإسلامي، اول.
۲۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، زیر نظر: محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.
۳۰. ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۰۷ق)، *تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام*، تحقیق: د. عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، اول.
۳۱. ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۴ق)، *سیر أعلام النبلاء*، محققان: نذیر حمدان، بشار عواد معروف، مامون محمد صاغرچی، شعیب ارناووط، ابراهیم زیبق، اکرم بوشی، محمد نعیم عرقسوسی، محیی هلال سرحان، کامل خراط، حسین سلیم اسد، علی ابوزید، صالح سمر، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۳۲. راشد محصل، محمد رضا (۱۳۶۸)، «بررسی تاریخی و ساختاری القاب»، *پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادب فارسی*، شماره ۳.
۳۳. صاوی، محمد اسماعیل عبدالله (بی‌تا)، *شرح دیوان جریر*، مقدمه نویسنده: محمد بن حبیب، شرح: مصطفی محمد، مصر: مطبعة الصاوی، اول.
۳۴. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ع)*، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوچه باغی، قم: مكتبة آية الله المرعشي النجفی، دوم.
۳۵. صفایی، سید حسین و دیگران (۱۳۸۴)، *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران: دانشگاه تهران، اول.
۳۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تصحیح: هاشم رسولی و فضل الله یزدی طباطبایی، بیروت: دارالمعرفة.
۳۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق)، *إعلام‌الوری بأعلام الهدی*، تحقیق: مؤسسة آل البيت، قم: آل البيت، اول.

۳۸. طبری آملی صغیر، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلائل الامامه*، تحقیق: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، قم: بعثت، اول.
۳۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۴۰. طبسی، نجم الدین (۱۳۸۸)، *تا ظهور، تهران: بنیاد فرهنگي حضرت مهدي موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف*، اول.
۴۱. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرين*، تحقیق: احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، سوم.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیة*، تحقیق: عبادالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الإسلامية، اول.
۴۳. طوسی، محمد بن محمد (۱۴۰۵ق)، *تلخیص المحصل*، شارح: محمد بن عمر فخر رازی، بیروت: دارالأضواء.
۴۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۰ق)، *الفهرست*، قم: کتابخانه محقق طباطبائی، اول.
۴۵. عطوان، حسین (بی تا)، *الدعوة العباسية، مبادئ وأساليب*، بیروت: دار الجیل.
۴۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، *تفسیر*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمية، اول.
۴۷. غنوی، امیری (۱۳۹۲)، «طرح اندیشه مهدویت از نگاه امام باقر علیه السلام»، *فصل نامه مشرق موعود*، سال هفتم، شماره ۲۸.
۴۸. فرات کوفی، بن ابراهیم (۱۴۱۰ق)، *تفسیر*، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسة الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي، اول.
۴۹. فرزдық، همام (۱۴۰۷ق)، *دیوان الفرزدق*، تحقیق: علی فاعور، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۰. فسوی، ابویوسف یعقوب بن سفیان البسوی (۱۴۰۱ق)، *المعرفة والتاریخ*، تحقیق: اکرم ضیاء العمری، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵۱. قاضی، وداد (۱۹۷۴م)، *الکسانیه فی التاریخ والادب*، بیروت: دارالثقافه.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، چهارم.

۵۳. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، رجال (إختیار معرفة الرجال)، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول.
۵۴. مجهول (۱۳۹۱ق)، أخبار الدول العباسی و فیہ أخبار العباس و ولده، تحقیق: عبدالعزیز الهدوری و عبدالجبار المطلبی، بیروت: دارالطلیع.
۵۵. مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، اثبات الوصیة، قم: انصاریان، سوم.
۵۶. مغربی، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق)، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار (ع)، تحقیق: محمد حسین حسینی جلالی، قم: جامعه مدرسین، اول.
۵۷. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۵۸. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳ق)، الفصول المختارة، تحقیق: علی میر شریفی، قم: کنگره شیخ مفید، اول.
۵۹. مقدسی، مطهر بن طاهر (بی تا)، البدء والتاریخ، بورسعید: مكتبة الثقافة الدينية.
۶۰. مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی (۱۴۲۸ق)، عقد الدرر فی أخبار المنتظر، قم: مسجد مقدس جمکران، سوم.
۶۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی (۱۴۲۸ق)، مکیال المکارم فی فوائد دعاء للقائم، قم: مؤسسه الإمام المهدی (عج)، پنجم.
۶۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، اول.
۶۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶)، الغیبة، ترجمه: محمد جواد غفاری، تهران: نشر صدوق، دوم.
۶۴. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۸ق)، فرق الشیعة، محشی: محمد صادق بحر العلوم، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة.